

مرگ دروغین برای فریب طلبکاران

■ غلامرضا مسکنی

کلاهبردار حرفه‌ای که با وعده پیش‌فروش موتورسیکلت، بیش از ۲۰ میلیارد تومان از ۵۰ نفر در یکی از شهرهای شمالی کلاهبرداری کرد، پس از آنکه نتوانست پول مردم را برگرداند، برای فرار از دست قانون نقشه مرگ جعلی در دریا را طراحی کرد و خانواده‌اش برایش مراسم ختم گرفتند، اما چند ماه بعد، او در تهران زنده پیدا و دستگیر شد.

اواخر سال گذشته، مأموران پلیس یکی از شهرهای شمالی پرونده مرد کلاهبرداری را روی میز خود دیدند که از تعدادی از شهروندان و بستگانش چند میلیارد تومان کلاهبرداری کرده‌بود. بررسی‌ها نشان داد که «هومن» ۳۵ ساله، ادعا می‌کرده تاجر و واردکننده موتورسیکلت‌های سنگین و برقی است و با وعده پیش‌فروش موتورسیکلت‌ها، از بیش از ۵۰ نفر پول گرفته است، اما پس از گذشت چند ماه، نه‌تنها هیچ موتورسیکلتی تحویل خریداران نداد که خودش هم ناپدید شد.

یکی از شاکیان که مرد جوانی است، در توضیح ماجرا گفت: «هومن را می‌شناختم، او دفتری در یکی از خیابان‌ها داشت و ادعا می‌کرد موتورسیکلت و لوازم یدکی از خارج وارد می‌کند. مدتی بعد، او بین دوستان و بستگانش تبلیغ کرد که می‌خواهد تعدادی موتورسیکلت برقی و سنگین وارد و اگر کسی سرمایه‌گذاری کند، سود خوبی به دست می‌آورد. من و تعداد دیگری فریبپ او را خوردم و پول واریز کردیم، اما پس از چند ماه خبری از موتورسیکلت‌ها نشد. وقتی فراری شد، فهمیدیم که او یک کلاهبردار حرفه‌ای است.» در حالی که هر روز به تعداد شاکیان افزوده می‌شد، بررسی‌ها نشان داد که هومن بیش از ۲۰ میلیارد تومان کلاهبرداری کرده و ناپدید شده‌است. به همین دلیل، بازپرس پرونده دستور بازداشت و توقیف اموال متهم را صادر کرد.

■ **مرگ جعلی در دریا**

هنوز چند روز از صدور دستور بازداشت متهم نگذشته بود که به مأموران پلیس خبر رسید هومن در ساحل دریا غرق شده‌است. او در حالی همراه با دو نفر از دوستانش که به آنها هم بدهکار بود، شنا می‌کرده، جان باخته و

یک روز بعد جسدش پیدا و تحویل خانواده‌اش شده‌است.

در بررسی‌های میدانی، شاکیان و مأموران با حمله‌های سیاه‌رنگ و اعلامیه‌های مرگ ناگهانی هومن روبه‌رو شدند و خانواده‌اش برای او مراسم ختم و هفت گرفتند. شاکیانی که تا چند روز قبل در جست‌وجوی مرد کلاهبردار بودند، وقتی با اعلام مرگ ناگهانی او روبه‌رو شدند، در مراسم ختمش شش‌رکت و اعلام کردند که به خاطر فرزند مرد فوت‌شده که الان بی‌پدر شده‌است، از شکایت خود گذشت کرده‌اند.

■ **زنده شدن مرده**

چند ماه از ماجرا گذشت و شاکیان گمان می‌کردند که مرد کلاهبردار فوت کرده و پولشان دیگر به دستشان نمی‌رسد. از سوی دیگر، خانواده او هم لباس سیاه از تن بیرون کرده‌بودند، اما ناگهان، تعدادی از شاکیان از طریق از یکی از بستگان هومن با خبر شدند که مرد کلاهبردار زنده و در تهران دیده شده‌است.

ماجرا از این قرار بود که چند روز قبل، یکی از بستگان نزدیک هومن در یکی از خیابان‌های تهران به مردی برخورد کرد که شباهت زیادی به هومن داشت. او که شوکه شده‌بود، مرد شبیه به هومن را به صورت نامحسوس تعقیب کرد و فهمید که همان هومن است. مرد جوان بلافاصله شاکیان را مطلع کرد و پرونده دوباره به جریان افتاد.

■ **دستگیری و اعتراف**

تیمی از مأموران برای دستگیری هومن به تهران اعزام شدند. با هماهنگی مأموران پلیس آگاهی تهران، مخفیگاه متهم شناسایی و وی بازداشت شد. متهم وقتی دستبند به دستانش زده‌شد، چارهای جز بیان حقیقت نداشت و با اعتراف به کلاهبرداری‌های سریالی گفت که

حواالت

سرویس حوادث، ۶۰۰۳۰۸۵۲۳

برای فرار از دست شاکیان، نقشه مرگ جعلی در دریا را طراحی و اجرا کرده‌است.

■ **می‌خواستیم مالباخته‌ها را فریب دهیم**

هومن پس از دستگیری ی‌گفت: «وقتی میلیاردها تومان کم آوردم و نتوانستم پول مردم را برگردانم، برای فرار از دست مالباخته‌ها نقشه مرگ جعلی را طراحی کردم. می‌خواستم آنها را فریب دهم و خودم را از جنگال قانون نجات بدهم، اما در نهایت دستم رو و حقیقت آشکار شد.»

■ **هومن! سابقه داری؟**

نه. هیچ سابقه‌ای ندارم. در خانواده آبروداری بزرگ شدم. من واقعاً می‌خواستم کار درست و حسابی انجام دهم، اما بد آوردم.

■ **چرا بد آوردی؟**

ور شکست شدم. قصد کلاهبرداری نداشتم، اما کم آوردم و مجبور شدم. من واقعاً چند سالی در کار خرید و فروش موتورسیکلت و حتی واردات موتورسیکلت فعالیت داشتم، اما به خاطر جنگ تحمیلی که امریکا و اسرائیل آغاز کردند و همچنین آتش گرفتن انبار موتورسیکلت‌هایم در یک حادثه اتفاقی، ورشکست شدم و بدهی بالا آوردم. همه سرمایه‌ام یک‌شبه از بین رفت.

■ **چقدر بدهی بالا آوردی؟**

فکر کنم بیش از ۲۰ میلیارد تومان بدهی آوردم. هر چقدر حساب و کتاب کردم، فهمیدم نمی‌توانم بدهی‌ام را پرداخت کنم. به همین دلیل فراری شدم.

■ **شما که فراری بودی، چه شد که نقشه مرگ جعلی را طراحی کردی؟**

فشار زیادی روی من و خانواده‌ام بود. من فراری شدم، اما هر روز تعدادی از مالباخته‌ها جلوی خانه‌ام می‌آمدند. از این وضعیت خسته شده‌بودیم. از طرفی می‌دانستم اگر دستگیر شوم، سال‌ها در زندان می‌مانم. به همین دلیل نقشه مرگ جعلی را کشیدم. تصور می‌کردم راه فرار خوبی را انتخاب کرده‌ام، اما خبر نداشتم که دستم رومی‌شود و به دام می‌افتم.

■ **چطوری شاکیان باور کردند که شما فوت کرده‌ای؟**

من همراه دو نفر از دوستانم که از من طلبکار بودند، این نقشه را کشیدیم. قرار بود بعد از اجرای نقشه، بدهی آنها را پرداخت کنم. به دریا رفتم و لباس‌هایم را کنار دریا گذاشتم و وارد دریا شدم و کمی آن‌طرف‌تر از ساحل دیگری بیرون آمدم. آنها اعلام کردند که شاهد غرق شدن من بودند و یک روز بعد هم خانواده‌ام گفتند که جسد را تحویل گرفته‌اند. کوجه‌ها سیاه‌پوش و مراسم هم گرفته شد و مالباخته‌ها هم باور کردند. همه فکر می‌کردند که من مرده‌ام.

■ **خانواده‌ات در جریان بودند؟**

به هر حال، آنها هم از دست کارهای من خسته شده‌بودند و می‌خواستند هر طوری شده از شر و گرفتاری‌های من خلاص شوند.

■ **عذاب وجدان نداشتی؟**

عذاب وجدان داشتم و وقتی عذاب وجدانم بیشتر شد که فهمیدم مالباخته‌ها دلشان برای فرزندم سوخته و شکایتشان را پس گرفته‌ام، اما کاری از دستم ساخته نبود و از ترس زندان مجبور بوم این نقشه را ادامه دهم.

■ **الان چه حسی داری؟**

امیدوارم شاکیان مرا ببخشند و من هم بتوانم گذشت‌ام را جبران کنم. من قصد کلاهبرداری نداشتم و ورشکست شدم.

آزادی پدر یک خانواده

با کادوی تولد یک نوجوان

پدر یک خانواده که به خاطر تصادف غیر عمدی زندانی شده‌بود، با کادوهای تولد پسر نوجوان آزاد شد. مدتی قبل مرد میانسال، برای کمک به یکی از بستگان، خودروی وانت او را به امانت گرفت تااسباب کشی انجام دهد، اما یک تصادف، زندگی‌اش را دگرگون کرد. این مرد هنگام رانندگی با خودروی امانی با یک خودروی شاسی‌بلند برخورد کرد و در بررسی‌های انجام‌شده، مقصر حادثه شناخته‌شد.

پس از وقوع تصادف، مالک خودروی آسیب‌دیده علاوه بر خسارت، درخواست اфт قیمت و خسارت خواب خودرو را مطرح کرد. کارشناس میزان اфт قیمت را ۵۰ میلیون تومان برآورد کردند، اما این بیش از خسارت تحت پوشش بیمه قرار نگرفت.

نا توانی این مرد در پرداخت مبلغ تعیین‌شده، موجب شکایت شاک‌ی و در نهایت زندانی شدن او شد. پس از آن، وی از ستاد دیه استان تهران درخواست کمک کرد. مددکاران این ستاد با بررسی وضعیت مالی و احراز ناتوانی او در پرداخت بدهی، اقدامات لازم را برای آزادی‌اش آغاز کردند.

عباس کشانی، مدیر ستاد دیه استان تهران در این‌باره گفت: سرانجام بدهی این زندانی با مشارکت یک خبر نوجوان و حمایت ستاد دیه استان تهران پرداخت شد. این نوجوان نیک‌اندیش با جمع‌آوری هدایای نقدی تولد و بخشی از پس‌انداز شخصی خود، در آزادی این زندانی سهیم شد تا او پس از تحمل دوران حبس، به آغوش خانواده بازگردد. این اقدام انسان‌دوستانه بار دیگر نشان داد که برای گره‌گشایی از زندگی دیگران، بزرگی دل مهم‌تر از سن و سال است.

یادداشت

دفاع از امنیت وظیفه‌ای فراتر از میدان نبرد



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

جنگ، تنها با موشک و انفجار تعریف نمی‌شود. هر حمله نظامی دشمن امریکایی سیهونی، علاوه بر خسارت‌های جانی و مالی، روان جامعه را نیز هدف قرار می‌ده